

در خواست طلاق از شوهر بدقول

گروه حوادث/ حیاط دادگاه خانواده از برف سفید شده بود. تصویر کنجشک‌ها که به دنبال دانه‌ای در میان برف، نوک بر زمین می‌زدند منظره زیبایی ایجاد کرده بود. حیاط دادگاه خالی از جمعیت بود اما هر چندر به در ورودی مجتمع خانواده نزدیک می‌شدی بر تعداد زوج‌هایی که برای طلاق آمده بودند، افزوده می‌شد.

داخل سالن در بین جمعیت، یک زوج جوان جلب توجه می‌کردند: پسری با هودی آبی و دختری که کنارش ایستاده و هودی قرمز پوشیده بود. برکه ابلغی‌های در دست پسر جوان بود که وقت رسیدگی را ساعت ۹ در شعبه ۱۷ نشان می‌داد.

وقتی زوج جوان وارد شعبه شدند کنار هم روی صندلی نشستند. چند دقیقه‌ای که گذشت ناگهان دختر جوان گفت: جناب قاضی من دیگر از بدقولی‌های همسرم میلاد خسته شدم. دلم نمی‌خواهد حتی یک روز هم با او زندگی کنم. ما هنوز ۹ ماه از آشنایی و ازدواج‌مان نگذشته است، ای کاش قلم پایم شکسته بود و به آن نمایشگاه عکس نرفته بودم. همان جا بود که با میلاد آشنا شدم و بعد به خواستگاری آمد و عقد کردیم. به خاطر صرفه‌جویی برای آینده و ساختن زندگی‌مان مراسم عروسی نگرفتیم و فقط به یک ماه عسل ساده رفتیم، اما خیلی زود فهمیدم که میلاد خیلی بی‌قید و بی‌مسئولیت است؛ از همه بدتر بسیار بدقول است البته برای من و خانواده‌ام.

آقای قاضی شما قضاوت کنید من همین چند روز پیش رفتم دکتر و آنجا متوجه شدم کیف پولم همراهم نیست. به او زنگ زدم که بیاید و پول دکتر را حساب کند و مرا با خودش ببرد اما بعد از ۲ ساعت نیامد و خیلی راحت گفت یادم رفته بود. این تنها کارش نیست هربار می‌خواهیم هر جا برویم یا نمی‌آید یا آنقدر دیر می‌آید که اعصاب مرا خورد می‌کند. هیچ توضیح منطقی هم برای بدقولی‌هایش ندارد و در نهایت می‌گوید خودت هرکاری داری انجام بده با من کاری نداشته باش. بالاخره میلاد هم تعهداتی دارد اما به هیچ کدامش در این مدت عمل نکرده و فقط بهانه آورده است.

قاضی رو به میلاد کرد و گفت: پسرم حرف‌های همسرت را تأیید می‌کنی؟ میلاد سری تکان داد و گفت: آقای قاضی باور کنید عمداً در کارم نیست من سعی می‌کنم بموقع برسم ولی گاهی نمی‌شود.

در همین لحظه همسرش گفت: آقای قاضی فقط برای من و زندگی مشترک‌مان این‌طور است. کافی است دوستانش رنگ بزنند و بگویند بیا برویم فوتبال بلافاصله آماده می‌شود و می‌رود، بارها شده مرا وسط خیابان از ماشین پیاده کرده و گفته با تاکسی بروم من باید بروم پیش دوستانم.

میلاد گفت: آقای قاضی همسرم موضوع را بزرگ می‌کند، اینها موارد حادی نیست که او می‌خواهد به خاطرش از من طلاق بگیرد.

زن جوان نگاهی به حلقه ازدواجی که در انگشتش بود انداخت و گفت: آقای قاضی من همسرم را دوست دارم اما رفتارش مرا خسته کرده است، بی‌توجهی‌هایش دلم را به درد آورده است لطفاً شما بگویید ما چه کار کنیم؟ قاضی چند دقیقه‌ای سکوت کرد و گفت: مشکل زندگی شما آنقدر که فکر می‌کنید حاد نیست، بهتر است شما به کلاس‌های مشاوره بروید اگر مشکل‌تان حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم.

نگاه کارشناس/ امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده

در این پرونده می‌بینیم که زندگی مشترک برای میلاد در اولویت نیست و با بی‌مسئولیتی نسبت به همسر و زندگی مشترک‌شان به کارهایی که در اولویت‌های بعدی او هستند، می‌پردازد که این یک اشتباه بزرگ و سمی خطرناک برای زندگی است.

متأسفانه مسئولیت‌پذیری میلاد و بدقولی‌های مداوم او به زندگی مشترکش آسیب زیادی وارد کرده است. وی باید با تشکر و اولویت‌بندی در زندگی مشترکش خلأهای عاطفی همسرش را پر کند بعد به فکر دوستان و بقیه کارهای شخصی‌اش باشد.

اصولاً زوج‌های جوان باید بدانند و آگاه باشند کارهایی که در زندگی مجردی انجام می‌دادند را نباید در زندگی متأهلی با همان رویه در پیش بگیرند و باید تفکیک قائل شوند. زوج‌های جوان اگر می‌خواهند زندگی شادی داشته باشند باید با مسئولیت‌پذیری، عشق، علاقه، صداقت، از خودگذشتگی، تعهد و... پایه‌های زندگی مشترک خود را بسازند تا زندگی مشترک موفق و خوبی داشته باشند وگرنه درگیر چالش و حاشیه خواهند شد و در نهایت طلاق به زندگی مشترک آنها پایان می‌دهد.

۲۳۰۰ تصادف در روز برفی تهران



گروه حوادث/ رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ، از وقوع ۲۳۰۰ تصادف در روز برفی پایتخت خبر داد.

سرهنگ احسان مؤمنی گفت: روز یکشنبه ۲۵ دی با توجه به بارش برف، شاهد ۲۳۰۰ فقره تصادف در معابر پایتخت بودیم که در مقایسه با روزهای عادی، بیش از ۶۰۰ فقره افزایش تصادف داشتیم.

وی با بیان اینکه معابر پایتخت بویژه معابر شمال شهر تهران همچنان لغزنده است، از شهروندان خواست با سرعت کمتر از حد مجاز رانندگی کنند. رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ تأکید کرد: ترمز ناگهانی در روزهای برفی که معابر لغزنده است موجب تشدید تصادفات می‌شود.

کشف یک تن مرفین زیر بار لاستیک

گروه حوادث/ مأموران پلیس شهرستان نی‌ریز و یگان تکاور، ۹۲۸ کیلوگرم ماده مخدر مرفین را که در یک کامیون جاساز شده بود کشف کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار رهام‌بخش حبیبی فرمانده انتظامی استان فارس گفت: مأموران انتظامی شهرستان نی‌ریز با همکاری کارکنان یگان تکاور استان، حین گشت در محور «سیرجان- شیراز» به یک دستگاه کامیون حامل بار لاستیک مشکوک شدند و با اقدامات فنی و تخصصی آن را توقیف کردند.

مأموران انتظامی با هوشیاری و تیزبینی موفق شدند در بازرسی از این کامیون ۹۲۸ کیلوگرم مرفین که به شکل بسیار ماهرانه‌ای در کف اتاق زیر بار لاستیک خودرو جاسازی شده بود را کشف و یک قاچاقچی حرفه‌ای را دستگیر کنند که پس از سیر مراحل قانونی متهم روانه زندان شد.



مسمومیت ۵۸ دختر تیزهوش اردبیلی با گاز سمی

گروه حوادث/ مسمومیت با گاز مونوکسید کربن ۵۸ دانش‌آموز مدرسه فرزنانگان شهر اردبیل را راهی بیمارستان کرد.

به گزارش ایرنا، صبح دیروز خبر مسمومیت دانش‌آموزان دختر مدرسه فرزنانگان در اردبیل به اورژانس اعلام شد.

مرکز عملیات و هدایت بحران فوریت‌های پزشکی استان اردبیل اعلام کرد: به دنبال گزارش مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در مدرسه فرزنانگان اردبیل،

بلافاصله چهار دستگاه آمبولانس و یک دستگاه انبوس آمبولانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند و دانش‌آموزان را که دچار گاز گرفتگی شده بودند به بیمارستان منتقل کردند. حال دانش‌آموزان مساعد بوده و بیشتر آنها ترخیص شدند.

ورود دادستانی به پرونده
به گزارش اینلنا، سید عبدالله طباطبایی دادستان عمومی و انقلاب استان اردبیل گفت: دستورات لازم برای بررسی

دستگیری ۱۱ مرد خشن در پاتوق خلافکاران

به‌تازگی متوجه شدم که چند نفر از آشنایانم، خانه‌ای را در جنوب تهران اجاره کرده‌اند و آنجا پاتوق کارهای خلافشان است حتی آنها صحبت از سرقت موتورسیکلت و خودرو هم می‌کردند.

به‌دنبال این تماس بود که مأموران راهی پاتوق شدند و آنجا موتورسیکلتش خبر داد. وقتی تحقیقات از سوی مأموران پایگاه هفتم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد بررسی‌ها نشان می‌داد اعضای یک گروه به شکل سریالی اقدام به سرقت موتورسیکلت می‌کنند.

در ادامه مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و سرخن اصلی از متهمان را در اختیار آنها قرار داد:

سرقت وارد عمل شده و ۱۱ مرد سابقه‌دار را بازداشت کردند. در بازرسی از محل، سند و مهرهای جعلی، لوازم داخل خودرو و دفترچه‌هایی که نشان می‌داد سارقان سرقت‌هایشان را در آن ثبت کرده‌اند، کشف شد.

متهمان در تحقیقات به جرایم خود از سرقت موتورسیکلت تا جعل سند و تصادف‌های ساختگی اعتراف کردند. یکی از آنها در تحقیقات گفت: بعد از آزادی از زندان تصمیم گرفتم باندی تشکیل دهم. یکی از شرکدهای ما سرقت موتورسیکلت در کنار خیابان بود که با سند و نمره کردن، آنها را با مبلغی بالا به فروش

احتمال ریوده شدن وی برای اخذی قوت گرفت بنابراین پرونده ویژه در پلیس آگاهی استان تشکیل و نیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پیگیر موضوع شدند.

رفیعی‌کیا عنوان کرد: با اطمینان از ریوده شدن این فرد، پلیس بررسی‌های میدانی برای شناسایی فرد یا افراد آدم‌ربا را آغاز کرد که با سرعت عمل پلیس کارشناسی و دستگیری عوامل این آدم‌ربایی در استان انجام گرفت و متهمان که پلیس را در یک قدمی خود می‌دیدند با رها کردن مرد طلافروش متواری شدند.

دوربین خانه همسایه راز جنایت را فاش کرد

بدن وی آثار ضرب و شتم وجود دارد بنابراین عمدی بودن سقوط و فرضیه قتل پررنگ شد به همین خاطر تمامی دوربین‌های پیرامونی ساختمان پنجره بازبینی و مدارک و مستندات جمع‌آوری شد.

مرادی اظهار داشت: در تحقیقات به عمل آمده از شوهر این زن، وی منکر هر گونه اختلاف و ضرب و شتم همسرش شد و اعلام کرد وی به دلایل نامعلومی خودکشی کرده است ولی در مواجهه با فیلم ضبط شده توسط

سرهنگ نجم‌الدین مرادی، فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت در تشریح این خبر گفت: در پی تماس تلفنی شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر سقوط خانمی از پنجره ساختمان و فوت وی، بلافاصله مأموران به محل حادثه اعزام شدند. با توجه به حساسیت موضوع، رسیدگی به پرونده در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت و در بررسی‌های انجام شده در صحنه و نحوه سقوط وی و معاینه جسد مشخص شد روی

قاتل مأمور کلانتری پای میز محاکمه

گروه حوادث/ دزد جنایتکار که هنگام فرار از خانه دختر جوان، مأمور کلانتری ۱۰۶ نامجو را به شهادت رسانده بود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۵ بامداد سیزدهم شهریور امسال مردی با کلانتری ۱۰۶ نامجو تماس گرفت و از ورود سارق به خانه خواهرش خبر داد.

با این تماس بلافاصله مأموران کلانتری نامجو به محل که ساختمان ۶ طبقه بود رفتند اما وقتی یکی از مأموران به نام امیر کیوان‌لو از پله‌ها بالا می‌رفت تا به خانه مورد نظر برسد در راه با سارق روبه‌رو و درگیر شد اما سارق ناگهان با چاقو به مأمور پلیس حمله کرد و ضربه‌ای به سینه وی زد. در همین موقع قصد فرار داشت که مقابل در از سوی مأموران بازداشت شد.

وی که سابقه اعتیاد به شیشه و هروئین دارد در بازجویی‌ها گفت: چند سالی است که سرقت می‌کنم و در میدان شوش کارتن‌خواب هستم. پدر و مادرم شمال کشور هستند. من آن روز برای سرقت به آن خانه رفته بودم و نمی‌دانستم کسی در خانه هست و وقتی با دختر جوان روبه‌رو شدم دست و پایش را بستم. حدود یک ساعت در خانه بودم تا وسایله قیمتی را بردارم، اما دختر جوان در یک لحظه از غفلت من استفاده کرده و به بردارش پیامک فرستاده بود. وقتی طلاها، گوشی موبایل، کنسول بازی و دوربین عکاسی را برداشتم و در حال فرار از راه‌پله‌های ساختمان بودم، ناگهان مأمور پلیس را دیدم و با چاقویی که در دست داشتم یک ضربه به فقهه سینه او زدم. من آن شب هروئین مصرف کرده بودم و فقط قصد سرقت داشتم. نمی‌خواستم مأمور پلیس را بکشم.

به دنبال اعترافات این دزد و بازسازی صحنه جرم و با توجه به درخواست اولیای دم مبنی بر قصاص متهم، برای وی کیفرخواست صادر و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در حالی که پزشکی قانونی سلامت روان متهم را تأیید کرده پرونده وی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بزودی به آن رسیدگی شود.



اینکه حکم دستگیری وی را دارند با این ترفند اقدام به ربودن این فرد کردند. متهمان پرونده با صدور قرار قانونی و تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی و روانه زندان شدند.

بازرسی از مخفیگاه متهمان به دست آمد و متهمان در ادامه اظهارات خود اذعان کردند پس از شناسایی مرد طلافروش تحت عنوان مأمور به این فرد مراجعه کرده و با عنوان

سوی کارآگاهان پلیس آگاهی استان مرکزی، متهم دستگیر شد که پس از دستگیری به ربودن طلافروش ارکی با همدستی ۳ نفر دیگر اعتراف کرد و براساس اطلاعات به دست آمده مشخص شد متهمان در شهرهای اراک، قم، شازند و شهریار مخفی شده‌اند که در عملیات جداگانه این افراد دستگیر و به پلیس آگاهی استان مرکزی منتقل شدند.

فرمانده انتظامی استان مرکزی گفت: موضوع دستگیری اعضای باند با توجه به اینکه آدم‌رباها پس از آزادی گروگان متواری شده بودند در دست بررسی و پیگیری ویژه کارآگاهان قرار گرفت که با انجام اقدامات پلیسی رد و نشانی از متهمان در استان‌های مختلف کشف شد و با توجه به پراکندگی سارقان اقدامات پلیسی به یکی از این افراد که در حوزه استان مرکزی مخفی شده بود متمرکز شد. پس از مدتی تعقیب و مراقبت اطلاعاتی از سوی پلیس و در عملیات منسجم از

قمه‌کشی در تاکسی اینترنتی
گروه حوادث/ زوج جوانی که با شکایت راننده تاکسی اینترنتی به اتهام اخذی و قمه‌کشی دستگیر شده‌اند در دادسرا مدعی شدند راننده به خاطر یک نخ سیگار، قصد کشتن آنها را داشته است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد جوانی هراسان به پلیس رفت و از زوجی شکایت کرد که قصد ربودن او را داشتند.

مرد جوان گفت: من راننده تاکسی اینترنتی هستم. ساعاتی قبل، زوج جوانی را به‌عنوان مسافر سوار خودروام کردم. لحظاتی نگذشته بود که مرد مسافر، قمه‌ای روی گردنم قرار داد و از من خواست به نشانی محلی که او می‌گوید بروم و من از ترس قبول کردم اما از شناسن خودم در مسیری به چراع قرمز برخورد کریدم و راننده یک خودروی عبوری وقتی متوجه قمه روی گردنم شد شروع به داد و فریاد کرد و به این‌ترتیب رهگذاران راننده‌های دیگر هم متوجه شده و زوج جوان که شرایط را نامناسب دیدند اقدام به فرار کردند.

ومن گنج شدم. روی زمین افتاده بودم که چند نفر با چوب به سمت ما حمله کردند و کنکمان زدند. همان موقع بردارم به کمک آمد و مرا به بیمارستان رساند. ساعاتی بعد خبردار شدم که یکی از دوستانم در آن درگیری کشته شده است. اما منی دانم چرا مأموران پلیس مرا بازداشت کردند. من بی‌گناه هستم.

در حالی که فیلم دوربین مدارسته نشان می‌داد پیمان قاتل دوستش بوده است، سایر شاهدان نیز وی را به عنوان قاتل شناسایی کردند. به این ترتیب وی به ناچار لب به بیان حقیقت کشود و گفت: من و دوستانم مست بودیم که سر موضوع پیش پا افتاده‌ای با هم درگیر شدیم و من در اوج مستی دوستم را با چاقو زدم.

در ادامه وی برای بررسی سلامت روان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان پس از معاینه‌های بالینی سلامت روان وی را تأیید کردند. به این ترتیب برای متهم به اتهام مباشرت در قتل عمدی و برای ۳ نفر از دوستان وی که در درگیری منجر به قتل شرکت داشتند به اتهام مشارکت در نزاع منتهی به قتل عمد کیفرخواست صادر و پرونده‌شان برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا آنها بزودی از خود دفاع کنند. این در حالی است که اولیای دم برای پیمان مجازات قصاص خواسته‌اند.

قتل به خاطر مستی

گروه حوادث / مرد جوان که متهم است در یک نزاع شبانه و در حالت مستی دوستش را به قتل رسانده بزودی در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شهریور سال ۹۹ گزارش یک درگیری جمعی در یکی از خیابان‌های جنت‌آباد به پلیس اعلام شد و مأموران به محل درگیری اعزام شدند. در این میان روشن شد مرد جوانی به نام پیمان با ضربه چاقو مجروح و به بیمارستان منتقل شده است. پیمان تحت درمان قرار گرفت اما ساعتی بعد به خاطر شدت خونریزی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد.

با مرگ مرد جوان مأموران به بررسی فیلم دوربین‌های مدارسته خیابان پرداخته و توانستند متهم را که بعد از دعای خونین سوار بر خودروی ال ۹۰ از محل گریخته بود شناسایی و دستگیر کنند. پس از بازداشت متهم ۴۵ ساله وی منکر قتل شد و گفت: از سر کار به خانه برمی‌گشتم که یکی از دوستانم به نام حمید دنبالم آمد و از من خواست تا به خانه دوست دیگرمان برویم. وقتی به آنجا رسیدیم همگی مشروب خوردیم و مست بودیم وقتی آخر شب از خانه خارج شدیم تا به خانه‌هایمان برگردیم در کوچه یادم نیست چه اتفاقی افتاد که یک نفر با سر به صورتم کوبید